

متن پرسش

با سلام: بنده پرسشگر سوال ۱۲۵۴۵ هستم. فکر کنم علت آن سوال آن بود که ماه رمضان و روزه داری به فضل خدا روح مرا رقیق و آماده کنده شدن از دنیا کرده است ولی به دلیل عدم تزکیه همین که خداوند خواست مرا از زنجیرهای علایق که در سوال گفته بودم نجات دهد ناگهان به خودم آمدم (البته به ناخود آمدم) و دیدم همه چیزم بر باد می رود!! خداوند به من فهماند اگر راست می گفتمی در این چند سال و ادعای الله را داشتی، آرزوی مرگ کن ولی من جا زدم و فهمیدم در تمام این سالها تلاش از دوری مال و شهرت و نگاه مردم و ... را داشتم در حالی که در دل میل شدید به اینگونه مسایل نیز داشتم. از جنابعالی بسیار تشکر می کنم خصوصا آنجا که مرا با لحن پدرانه ای خطاب کردید «آخه آدم حسابی! این چه حرفی است میزنی» خوف این را دارم که تا آخر عمر سر خود را کلاه بگذاریم و ادعای دین کنیم ولی موقع مرگ بفهمیم دین را وسیله ای کرده بودیم برای رسیدن به آنچه نفس می خواسته. خدایا راه نجات از این دنیا را از زبان استاد به ما یاد بده، اکنون هر چه بفرمایید ان شاءالله نصب العین خواهم نمود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مسیر سلوکِ اِلی الله تا مدت‌ها حظّ نفس در میان است تا آن‌که سالک همچنان جلو برود و اراده‌ی خود را آرام‌آرام در اراده‌ی حضرت حق فانی کند و از جذبات نفس آزاد گردد. به همین جهت عرض کردم: «تو پای به راه در نه و هیچ مپرس / خود را بگویدت چون باید کرد». زیرا در این مسیر حضرت ربّ دستگیری خواهد کرد. موفق باشید